

ز معلولیت تا محدودیت



یک‌چهارم از جمعیت جهان مستقیماً تحت‌تأثیر معلولیت به عنوان مددکار یا اعضای خانواده (معلول) هستند. افراد دارای معلولیت با مشکلات زیادی روبرو هستند. غالباً در میان منزوی‌ترین اعضای جامعه قرار دارند. در عین حال انعطاف‌پذیری زیادی نشان می‌دهند و دستاوردهای عظیم در زمینه کوشش‌های بشری به دست آورده‌اند.

جام جم آنلاین: یک‌چهارم از جمعیت جهان مستقیماً تحت‌تأثیر معلولیت به عنوان مددکار یا اعضای خانواده (معلول) هستند. افراد دارای معلولیت با مشکلات زیادی روبرو هستند. غالباً در میان منزوی‌ترین اعضای جامعه قرار دارند. در عین حال انعطاف‌پذیری زیادی نشان می‌دهند و دستاوردهای عظیم در زمینه کوشش‌های بشری به دست آورده‌اند. 71 کشور در جهان قانون ویژه‌ای برای معلولان دارند و کشور ما ایران سی و سومین کشور دارای قانون ویژه برای معلولان در جهان است؛ قانونی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

اعلام سال 1981 میلادی به عنوان سال جهانی معلولین توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد یکی از نقاط عطف در نگرش به معلولان بود. در سال بعد فاصله سال‌های 1982-1992 دهه جهانی معلولین نام گرفت تا کیفیت و شرکت فعالانه و همه‌جانبه افراد معلول را در زندگی اجتماعی گسترش ببخشد.

قانون برنامه جهانی در ارتباط با معلولان که سال 1982 توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید چارچوب بین‌المللی را برای الحاق و انضمام مسائل مربوط به انواع معلولیت‌ها به یک برنامه‌ریزی ملی فراهم می‌آورد. در سال 1992 قوانین استاندارد در زمینه برابری‌سازی مجال‌ها و فرصت‌های زندگی برای افرادی که با انواع معلولیت‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند به قانون مذکور افزوده شد تا به منزله مکمل آن بوده و موجب قوام آن گردد.

برای نخستین بار سوم دسامبر سال 1992 به منظور گرامیداشت سالروز تصویب قانون برنامه جهانی در ارتباط با معلولان از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان روز جهانی معلولان اعلام شد.

این روز زمانی است برای برپایی جشن و ارج نهادن به تجارب و توانایی‌های مردمی که با معلولیت‌های گوناگون دست و پنجه نرم می‌کنند. هدف از این اقدام ارتقای رشد اذهان عمومی درباره مسائل مربوط به معلولیت‌های مختلف و افزایش آگاهی‌ها بوده است که می‌بایست از مسأله پیوستن معلولان در تمامی جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی منتج شود.

در ایران نیز به‌رغم وجود قانونی مترقی در زمینه حمایت از حقوق معلولان و به‌رغم گذشت چند سال از ابلاغ آن و تصویب اکثر آیین‌نامه‌های اجرایی آن هنوز این آیین‌نامه‌ها به مرحله اجرا در نیامده است.

رو به افزایش

بنابر برآوردهای سازمان جهانی بهداشت حدود 10 درصد جمعیت جهان با نوعی معلولیت زندگی می‌کنند که 4/2 درصد آنان دارای معلولیت متوسط به بالا هستند. این رقم بنابه اعلام سازمان جهانی بهداشت، در حال افزایش است. بر اساس پیش‌بینی سازمان بهداشت جهانی درصد معلولان متوسط به بالا در سال 1404 حدود 5.7 برآورد می‌شود و هم‌اکنون بیش از 600 میلیون نفر از ساکنان جهان به علل مختلف جسمی، روانی و اجتماعی دچار ناتوانی و معلولیت هستند که 80 درصد این افراد در کشورهای جهان سوم زندگی کرده و یک سوم آنان را کودکان تشکیل می‌دهند. آمارها نشان می‌دهد که از هر 10 کودکی که در جهان متولد می‌شود یکی معلول به دنیا می‌آید و یا بعد به دلیل یک اتفاق، معلول می‌شود. معلولیت بیش از آن‌که جنبه پزشکی داشته باشد پدیده‌ای است که جنبه اجتماعی دارد. براساس تخمین بانک جهانی، 20 درصد فقیرترین افراد معلولیت دارند و خشونت علیه کودکان معلول بیشتر از دیگر کودکان است. به گفته سازمان جهانی بهداشت، معلولان در طول تاریخ همیشه با مشکلاتی مثل بی‌توجهی، ترس و تحقیر مواجه بوده‌اند.

وضعیت ایران

در سرشماری سال 65 تعداد افراد معلول طبق تعریف آن زمان که شامل تنها افراد نابینا و ناشنوی کامل و قطع نخاع بود و معلولیت‌های ذهنی دیده نشده بود، 456 هزار نفر عنوان شد. در سال 75 تعداد افراد معلول 479 هزار نفر اعلام شد.

پیش‌بینی می‌شود در سال 1404 جمعیت کشور ما به بیش از 94 میلیون نفر افزایش یافته و آمار معلولان نیز به 5 میلیون و 700 هزار نفر افزایش یابد. آمارهای مختلف دلالت بر وجود بین 1/5 تا 3 درصد معلول در کشور دارد. آمار اخیر به دلیل تعاریف مختلفی

که از معلولیت صورت پذیرفته مورد پذیرش همگان نیست. اگر معلولیت را بر مبنای تعاریف بین‌المللی که عبارت از ناتوانی فرد در انجام فعالیت‌های طبیعی، جسمی، روانی و اجتماعی در محدوده افراد سالم بدانیم، آمار مذکور می‌بایست بیش از این باشد.

مطالعات صورت گرفته نشان داده که در گروه سنی بالای 50 سال و در مردان و روستاییان میزان معلولیت بالاست. به لحاظ اتیولوژیک (سبب‌شناسی) برحسب نوع معلولیت شایع‌ترین علت در مبتلایان متفاوت است. به عنوان مثال در مورد کم‌شنوایی شایع‌ترین علت ارثی و مادرزادی است ولی در مورد نابینایی و کم‌بینایی چنین نیست یا در مورد بسیاری معلولیت‌های دیگر علل اکتسابی نقش اصلی را دارند. مثلاً حوادث ترافیکی در بروز بسیاری از معلولیت‌های فیزیکی روبه افزایش است و شایع‌ترین علت از جمله علل منجر به فوت جراحات و حوادث می‌باشد. پس از آن سوختگی و سقوط از بلندی بیشترین سهم را دارد.

براساس مطالعات انجام شده شایع‌ترین علت معلولیت در گروه سنی 14 - 2 سال ابتدا علل مادرزادی حدود 70 درصد و سپس تصادفات و حوادث 19/1 درصد است ولی در گروه سنی 39 - 15 سال این فاصله کمتر و حدود 32 درصد علل معلولیت را علل مادرزادی و 28 درصد را حوادث و تصادفات باعث می‌شود. به لحاظ تحصیلی نسبت معلولیت در بی‌سوادان بیشتر است. به لحاظ شغلی نسبت معلولیت در بیکاران بیشتر است. شیوع معلولیت‌های جسمی به تفکیک در مناطق شهری و روستایی کشور 22 در هزار و روستایی 25 در هزار نفر می‌باشد. در سال 77 در کل کشور میزان 23 در هزار ذکر گردیده است.

حرکت ممنوع

معلولان بخصوص آنانی که درگیر مسائل جسمی - حرکتی هستند، برای جابه‌جایی شرایط خاصی دارند. برخی از آنان به هیچ عنوان امکان استفاده از وسیله نقلیه شخصی را ندارند، چون توان نشستن روی صندلی عادی به دلیل موارد پزشکی از آنان سلب شده است. برخی دیگر برای سوار شدن به اتومبیل عادی نیاز به کمک دارند و بعضی به تنهایی اما شاید به سختی، سوار ماشین می‌شوند.

همچنین وسایل کمک حرکتی (ویلچر، عصا، واکر و...) گاه مانع استفاده آسان آنان از سواری‌های شخصی می‌شود. این چنین است که استفاده از اتومبیل معمولی (تاکسی و آژانس) صرف نظر از مسائل مالی‌اش، نکات ویژه‌ای دارد که جابه‌جایی با آن را همه‌گیر و راحت نمی‌کند. در واقع پیاده‌روهای شهر، اماکن عمومی، اداره‌ها، وزارتخانه‌ها، سیستم حمل و نقل عمومی و... بقدری برای معلولان نامناسب است که آنان ترجیح می‌دهند جز در مواقع ضروری در خانه بمانند.

نیاز به فرهنگ‌سازی

چند روز قبل عزت‌الله انتظامی پیشکسوت محبوب سینما گفت: در گذشته برخوردهای بهتری با سالمندان و معلولان از سوی مردم می‌شد ولی می‌توان با فرهنگ‌سازی، در این زمینه اقدامات موثری انجام داد.

آقای بازیگران سینمای ایران که به عنوان داور در جشنواره فیلم معلولان آوا حضور دارد، می‌گوید: اگر تلویزیون در زمان مشخصی در یکی از شبکه‌های خود اقدام به نمایش این فیلم‌ها کند تأثیر بسیار زیادی روی مردم خواهد گذاشت و باعث فرهنگ‌سازی خواهد شد.

واقعیت این است مشکل معلولان فقط مشکلات مالی نیست. مشکلات فرهنگی که در سطح جامعه وجود دارد، نگرش افراد و ارزش‌هایی که در حال حاضر برای یک فرد ایده‌آل تعریف می‌شود، همه و همه مسائلی هستند که حتی اگر مشکلات مالی مرتفع شود، معلولان را به حقوق‌شان نمی‌رساند. آنها مانند دیگر اعضای جامعه حق دارند یک زندگی عادی و برخوردار از خدمات حتی ویژه‌تر از افراد عادی داشته باشند، اما شرایط فرهنگی این اجازه را به آنها نمی‌دهد.

بسیاری از معلولان از کودکی در شرایط نامناسب آموزشی کشور ایزوله می‌شوند. آنها در سیستم آموزشی کنونی به مدارس جدا از مدارس افراد معمولی می‌روند. یعنی درست از زمانی که جامعه‌پذیری آنها آغاز می‌شود. عدم برنامه‌ریزی جامع و آینده‌نگر ما باعث می‌شود آنها جدا از جامعه پرورش پیدا کنند، در نتیجه در بزرگسالی نیز نمی‌توانند براحتهای در جامعه کلان‌تر از مدرسه که همه اقشار در آن حضور دارند، به زندگی ادامه دهند.

اثبات توانمندی

بعضی از افراد به علت نداشتن درک درست و جهان‌بینی صحیح و فقر فرهنگی، معلولیت را به عجز و ناتوانی تعبیر کرده و معلولان را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. اما کم نبوده‌اند انسان‌های برجسته و موثری که با وجود نقص جسمانی به تسهیل و تسریع جریان‌های تاریخی بشر یاری بسیار رسانده‌اند. استعداد زیاد این اشخاص، توأم با تلاش بی‌وقفه آنها نتایجی شگرف و سترگ و دستاوردهایی با تأثیرات طولانی مدت به بار آورده است. این افراد با نقص جسمانی آثاری خلق کرده‌اند یا ابداعاتی نموده‌اند که دیگران با جسمی سالم از انجام آن کار عاجز بوده‌اند. رودکی و ادیب نیشابوری 2 شاعر توانای ایرانی هردو نابینا بودند.

پروفسور استیون ویلیام هاوکینگ فیزیکدان برجسته و نویسنده کتاب تاریخچه زمان؛ از انفجار بزرگ تا سیاهچاله‌ها تنها قادر به

حرکت دادن 2 انگشت دست چپ خود است.

هلن کلر، ابراهیم خان زند، لودویک بتهوون، سارا برنارد، غلامحسین بنان، خورخه لوئیس بورخس، مارسل پروست، لویی بریل، جوزف پولیتزر، فرانکلین دلانو روزولت، حسین طه و جان فورد از دیگر نام‌آرانی هستند که هر یک به نوعی از نقص جسمانی رنج می‌بردند اما اراده‌ای پولادین داشتند و جهان را وادار به ستایش اراده خود کردند.

چه کسی طبیعی است

در تعریف انسان معلول و از کار افتاده آمده است: کسی که فاقد عملکرد جسمی، توان ذهنی و سلامتی روحی و روانی، در حدی پایین‌تر از استاندارد و نرمال زندگی در جامعه باشد، معلول محسوب می‌شود، اما سازمان بهداشت جهانی این تعریف را نقد کرده است. اما نرمال و غیرنرمال امری است نسبی و در هر جامعه‌ای متفاوت است. در حقیقت آنانی که همه چیز را از زاویه زبده پروری و امتیازات و حق ویژه نگاه می‌کنند، طبیعی است که جامعه را هم به سالم‌ها و معلولین، نرمال‌ها و غیرنرمال‌ها، زنان و مردان، فرماندهان و فرمانبران، ارزش‌ها و بی‌ارزش‌ها تقسیم کنند.

شاید معلول واژه مناسبی نباشد اما نامی است که افراد سالم روی دیگر هم‌نوعان خود نهاده‌اند. این جمعیت نیز نیازمند حمایت و توجه هستند تا بتوانند آسان‌تر از عهده سختی‌ها و مشکلات زندگی خود برآیند. معلولان نیازی به ترحم، درک و دلسوزی ندارند. آنان نیاز به احترام، برابری و حمایت از حق تعیین سرنوشت خود را دارند. آنان چیزی می‌خواهند که هر انسانی طلب می‌کند.

علی اخوان بهبهانی / جام‌جم